

بررسی کاربرد جنگ شناختی در حوزه‌های عملیاتی سازمان ناتو

فرزاد سلطانی^۱، حسن محمدی منفرد^۲، مهدی جاودانی مقدم^۳

پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۹

چکیده

ظهور فناوری‌های جدید عرصه اقتاع و شکل‌دهی ذهن انسان از جمله فناوری‌های جنگ‌افزایی شناختی، فناوری‌های شناختی بیوشیمیایی، فناوری‌های هوش مصنوعی و توسعه شگردها و تکنیک‌های مخزنی تا جایی که امکان هک کردن ذهن انسان میسر شده و از سویی به‌کارگیری این فناوری‌ها در حوزه عملیاتی سازمان‌های نظامی از جمله سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) سبب شده تا توجه بیشتر به جنگ‌افزارهای نوین در کشورهای مختلف ضروری تلقی گردد. در چارچوب ابزارهای عملیات نظامی جدید، ناتو جنگ-افزارهای شناختی را به‌عنوان حوزه‌ای جدید به حوزه‌های پیشین هوایی، دریایی، زمینی، فضایی و مجازی اضافه کرده و ذهن انسان را به‌عنوان عرصه جدیدی برای کارزار نظامی تعریف کرده است؛ در همین زمینه، پژوهش حاضر در پی بررسی کاربرد جنگ شناختی در حوزه عملیاتی ناتو می‌باشد؛ در واقع این مقاله به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که جنگ شناختی چه کاربری را در حوزه عملیاتی ناتو دارد؟ فرضیه تحقیق این است که هرچند ناتو اقدامات خود در حوزه جنگ شناختی را «دفاع» در مقابل «دشمنان» معرفی کرده ولی از سویی توسعه تکنیک‌های جنگ شناختی توسط این سازمان را برای حفظ «مزیت تاکتیکی» می‌داند. پژوهش حاضر با روش توصیفی و تحلیلی صورت گرفته و گردآوری اطلاعات به‌صورت مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی شامل کتاب‌ها، مقالات تخصصی و اینترنت بوده است.

واژگان کلیدی: سازمان ناتو، ذهن انسان، فناوری‌های نوین، حوزه عملیاتی، جنگ شناختی.

۱. کارشناسی‌ارشد مطالعات جهان، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) farzadsoltani1990@yahoo.com

۲. دکترای مدیریت راهبردی فضای سایبری دانشگاه عالی دفاع ملی.

۳. استادیار روابط بین‌الملل، دانشگاه امام صادق (ع)

مقدمه

بهره‌برداری از معایب طبیعت انسان برای هدف قرار دادن بهتر ذهن افراد ایده جدیدی نیست؛ چراکه مانور نفوذ و فریب همیشه بخشی از هنر جنگ بوده است. در همین خصوص، سون تزو^۱ قبلاً در عصر خود بر اهمیت عامل روان‌شناختی تأکید کرده بود و چنین معتقد بود که هرچند امپراتوری روم از ارتش قدرتمندی برخوردار بوده است؛ ولی این امپراتوری عمر طولانی حکومتش مدیون تمایل مداوم برای تحمیل فرهنگ و دیدگاه خود نسبت به جهان بوده است. در همین ارتباط در عصر حاضر، پیشرفت فناوریانه در زمینه اطلاعات و ارتباط در زندگی روزمره موجب گردیده که با دیجیتالی شدن اطلاعات امکان هدف قرار دادن فرد یا گروهی از افراد را افزایش دهد (لو گویدارد،^۲ ۲۰۲۱). روشن است که فرایندهای دست‌کاری روانی برای اهداف متقلبانانه از طریق مهندسی اجتماعی به‌وضوح نشان می‌دهد که دانش رفتار انسان و توانایی تأثیرگذاری بر آن اکنون در قلب یک چالش راهبردی جدید قرار دارد؛ بنابراین نبرد ادراکات بر تمام بخش‌های زندگی جوامع و به‌ویژه امنیت و دفاع تأثیر می‌گذارد. جنگ شناختی^۳ تا به امروز موفق‌ترین شکل دست‌کاری برای تأثیرگذاری بر رفتار یک فرد یا گروهی از افراد با هدف کسب مزیت تاکتیکی یا استراتژیک است (کلوری^۴ و دیگران، ۲۰۲۱: ۱۹-۱۳). در این میدان عمل، ذهن انسان به صحنه عملیات تبدیل می‌شود. هدف این است که نه‌تنها بر اساس آنچه افراد فکر می‌کنند؛ بلکه بر اساس نحوه تفکر آن‌ها و درنهایت نحوه عمل آن‌ها نیز عمل شود. جنگ شناختی لزوماً با سایر اشکال و میدان‌های عمل برای رسیدن به ذهن (های) مورد هدف، مانند جنگ سایبری و جنگ اطلاعاتی مرتبط است. در نتیجه، در طی یک دهه گذشته،

^۱سون تزو (Sun Tzu) (زاده ۵۴۴، مرگ ۴۹۶ پیش از میلاد) نویسنده چینی کتاب هنر رزم به چینی بود؛ این کتاب چینی باستانی اثر بسیاری بر فن جنگ گذارد؛ او همچنین یکی از نخستین واقع‌گرایان در نگره رابطه‌های فرامینی بود.

^۲Le Guyader

^۳Cognitive Warfare

^۴Claverie

موضوع جنگ شناختی یکی از مباحث روز و پرکاربرد در مراکز نظامی و دانشگاهی می‌باشد. در این راستا، در اوایل سال ۲۰۲۰ میلادی هروه لو گویدر^۱ مهندس فرانسوی دانشکده ENSC^۲، پس از انتشار مقاله‌ای تحت عنوان «سلاح‌سازی علوم اعصاب»، سازمان ناتو به اهمیت روز افزون جنگ شناختی پی برده و فرانسوا دو کلوزل^۳ رئیس مرکز نوآوری ناتو، از سوی فرماندهی این سازمان ناتو مأمور به ارائه گزارشی در خصوص اهمیت جنگ شناختی شد؛ بنابراین سازمان ناتو، جنگ شناختی را حوزه ششم عملیاتی خود معرفی کرده است. در نتیجه، پژوهش حاضر با بررسی اسناد منتشر شده از سوی سازمان ناتو و همایش «چالش‌های نوآوری ناتو» که از سوی این سازمان در سال ۲۰۲۱ در کانادا برگزار شد؛ به علاوه سایر منابع مکتوب و مجازی در پی ارزیابی جنگ شناختی در حوزه عملیاتی سازمان ناتو می‌باشد.

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

پیشینه‌شناسی تحقیق

در طی چند سال گذشته، با توجه به اهمیت جنگ شناختی در رسانه‌ها، محتوی پژوهشی قابل توجهی در رابطه با این نوع جنگ به انتشار رسید؛ اما در رابطه با موضوع پژوهش حاضر محتوای قابل توجهی به زبان فارسی وجود ندارد. حسن محجوب و سعید شکوری مقاله‌ای تحت عنوان «جنگ‌شناختی مدرن: از شناخت در رزم تا عرصه جنگ‌شناختی» در فصلنامه مطالعات منابع انسانی (۱۴۰۱) منتشر کردند که هدف این پژوهش تحلیل منطقی و مفهومی جنگ‌شناختی و توصیف و ترسیم شبکه مفهومی آن است؛ همچنین در سال ۱۳۹۳، سیدحسین محمدی نجم کتابی با موضوع «کتاب جنگ شناختی، بعد پنجم جنگ» در انتشارات مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی به چاپ رساند. نویسنده در این کتاب به نظریه‌های تکاملی در باب جنگ آینده، موج سوم جنگ، نسل‌های جنگ، بعد راهبردی، بعد عملیاتی، دوره‌های تاریخی جنگ، استعاره‌های ذهن، فضای رزم پنج بعدی، معرفت‌شناسی جنگ غربی، ماهیت در حال تغییر فناوری، روندهای

^۱Hervé Le Guyader

^۲Ecole Nationale Supérieure de Cognitique (ENSC)

^۳François du Cluzel

روبه رشد فناوری نرم، تغییر پارادایم فناوری، حوزه شناختی، چرخه عمل و عکس العمل، کمک های چرخه شناختی به عملیات تأثیرمحور، بعد انسانی در جنگ شبکه محور می پردازد.

مبانی نظری: جنگ شناختی

عصر اطلاعات به عصر شبکه تبدیل شده است؛ زیرا جهان به طور فزاینده ای با ارتباطات شبکه ای تعریف می شود؛ این تکامل با ادغام شخصیت های فیزیکی، دیجیتالی و ذهنی انسان در این شبکه های دیجیتالی پیچیده تر شده است. در همین ارتباط، مشخص است که فضای سایبری اکنون فراگیر شده است و بدیهی است که بر شناخت کاربران در همه سطوح به ویژه از نظر روانی تحت تأثیر می گذارد. این روند، چالش هایی در میسر تولید دانش ایجاد می کند که با این وجود ضروری است تهدیدات آینده در این زمینه را پیش بینی کرده؛ چرا که این تهدیدها به طور فزاینده ای رایج هستند و پیامدهای آنها، اغلب در سطح جهانی خواهد بود که به همین خاطر قدرت های بزرگ خود را ملزم دانسته تا در مورد ابعاد مختلف جنگ شناختی مطالعاتی را انجام دهند؛ از سویی دیگر نظریه های جدیدی در حال توسعه هستند، از جمله مواردی که با تاب آوری یا ضعف های علوم اعصاب، بهره برداری از سوگیری های شناختی و احتمال خطاهای شناختی، دستکاری ادراکات، چگونگی تحت تأثیر قرار دادن یا هدایت دامنه توجه انسان و ایجاد استرس های شناختی سروکار دارند (گاگلیانو، ۲۰۱۶). همه اینها پیامدهای قابل پیش بینی بر هوش ذهنی، روابط اجتماعی و انگیزه های فردی و کارایی سازمان ها دارد؛ این تلاش های مفهومی اولیه، توجه بسیاری از محققان و متفکران نظامی را به خود جلب کرده است. در این ارتباط، جیمز جوردانو^۱ متخصص اخلاق اعصاب، ذهن را مکانی برای میدان های جنگ قرن بیست و یکم توصیف کرده و سلاح سازی علوم اعصاب را مطالعه کرده است. در همین ارتباط،

^۱Gagliano

^۲James Giordano

ژنرال گلدفین^۱ بیان کرده است که «در حوزه نظامی از جنگ‌های فرسایشی به جنگ‌های شناختی رفته‌ایم». در این نوع از جنگ جدید، فرایندهای راهبردی به‌عنوان یک مثلث شناختی شامل تسلط بر دانش، اعتماد به نفس سایبری و برتری در تصمیم‌گیری را شامل می‌شود که همگی به منظور هدایت راهبردی برای دستیابی به اهداف مورد نظر عمل می‌کنند (لگری، ۲۰۲۲: ۵۸).

بر اساس گفته کارل فون کلاوزویتس^۲، «جنگ عملی است که دشمن ما را مجبور به انجام اراده ما می‌کند»؛ جنگ شناختی نیز در هسته خود، می‌تواند هدفی مشابه با هر نوع جنگ دیگری داشته باشد، البته با این تفاوت که جنگ شناختی، برخلاف حوزه‌های سنتی جنگ اساساً در یک سطح فیزیکی عمل نمی‌کند؛ با این حال می‌توان ادعا کرد که هدف جنگ شناختی با هر نوع جنگ دیگری متفاوت است. به جای اینکه «دشمن خود را مجبور به انجام اراده خود کنیم»، در جنگ شناختی دشمن خود را از درون نابود کرده تا او قادر به مقاومت، بازدارندگی یا منحرف کردن اهداف ما نباشد (پاپالاردو، ۲۰۲۱).

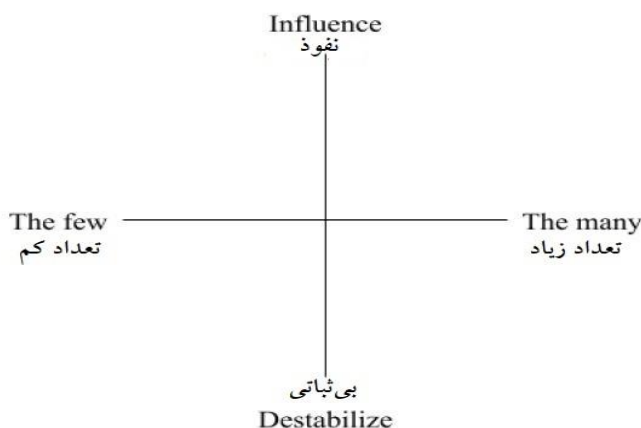
در هر صورت، اهداف جنگ شناختی با روش‌های متفاوتی نسبت به اهداف جنگ‌های متعارف محقق می‌شود. جنگ شناختی دو هدف جداگانه اما مکمل دارد: بی‌ثباتی و نفوذ؛ هرچند که هر دو مورد از این اهداف ذکر شده را می‌توان به‌طور جداگانه انجام داد؛ ولی می‌توان با استفاده از یکی به‌عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به دیگری اجرا کرد. اهداف حملات جنگ شناختی ممکن است از کل جمعیت گرفته تا رهبران جامعه در سیاست، اقتصاد، مذهب و دانشگاهیان باشد؛ علاوه بر این نقش رهبران اجتماعی کمتر شناخته شده را نباید نادیده گرفت (برنال و دیگران، ۲۰۲۰: ۱۱).

^۱David Goldfein was a former general and Chief of Staff of the US Air Force, member of the Joint Staff and a military advisor in the Council of National Security and to the Secretary of Defense and President of the United States.

^۲Legry

^۳Carl von Clausewitz

^۴Pappalardo



شکل شماره ۱: دو هدف عمده جنگ شناختی (برنال و دیگران، ۲۰۲۰: ۱۲).

همان‌طور که در مطالب قبلی اشاره شد، دو هدف عمده جنگ شناختی شامل بی‌ثباتی و نفوذ می‌باشد. اولین هدف اساسی جنگ شناختی بی‌ثبات کردن جمعیت‌های حریف است. بی‌ثباتی با هدف برهم زدن سازماندهی و وحدت سیستم‌ها و مردم یک ملت انجام می‌شود (آیگوی، ۲۰۲۱)؛ این اقدام منجر به کاهش شدید بهره‌وری و از دست دادن همکاری می‌شود؛ زیرا این جمعیت اکنون تحت تأثیر مسائل داخلی قرار گرفته و کمتر بر روی دستیابی به اهداف مشترک متمرکز شده‌اند. با تسریع یافتن شکاف‌های موجود در بین گروه‌های جمعیت یا ارائه ایده‌های جدیدی که برای قرار دادن گروه‌های مختلف در مقابل یکدیگر و افزایش قطبی‌سازی طراحی شده‌اند، سازماندهی و وحدت جمعیت ملی برهم زده می‌شود؛ بنابراین زمانی که رهبران منبع ایده‌های قطبی شوند، می‌توانند به عنوان اهداف بی‌ثباتی در نظر گرفته شوند؛ همچنین عوامل می‌توانند جمعیت عمومی مردم را هدف قرار دهند تا به‌طور تصادفی ایده‌های تفرقه‌انگیزی را معرفی کنند که با بازی با باورهای مردم یا نقل روایت‌های نادرست علیه گروه‌ها، مردم را تحریک می‌کنند (برنال و دیگران، ۲۰۲۰:

۱۲-۱۳). برخی از استراتژی‌های جنگ شناختی که با اهداف بی‌ثباتی همسو هستند، شامل موارد ذیل هستند:

راهبردهای جنگ شناختی با اهداف بی‌ثباتی
افزایش قطبی‌سازی
تقویت کردن جنبش‌ها/اختلافات
مشروعیت‌زدایی از دولت/رهبری
ایجاد اختلال در فعالیت‌های اقتصادی کلیدی
مختل‌سازی زیرساخت‌ها
سردرگمی در ارتباطات

جدول شماره ۱: راهبردهای جنگ شناختی با اهداف بی‌ثباتی (برنال و دیگران، ۲۰۲۰: ۱۳). دومین هدف اساسی جنگ شناختی، نفوذ در جمعیت‌های حریف است. هدف نفوذ با دستکاری تفسیر و درک یک هدف از جهان اطراف انجام می‌شود. هدف نفوذ با هدف بی‌ثباتی متفاوت است؛ زیرا هدف نهایی این است که گروه مورد نظر در مورد یک موضوع همفکر باشند. هدف عاملان در بیشترین حالت، ایجاد اجماع در میان جمعیت با قدرت کافی برای تغییر پارادایم است و اهداف خود را بر خلاف ایده‌های اساسی در جامعه، معطوف می‌کنند. برای تأثیرگذاری بر نحوه تفکر کل جمعیت یا بخش‌هایی از مردم، عاملان ممکن است رهبران سیاسی، اقتصادی، دانشگاهی یا اجتماعی را به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به مخاطبان بیشتری هدف قرار دهند. از طرف دیگر، عاملان ممکن است به سادگی اطلاعاتی را منتشر کنند و شبکه گسترده‌ای را به امید دستیابی به افراد کافی برای تحریک به تغییر ایجاد کنند (برنال و دیگران، ۲۰۲۰: ۲۰-۱۹؛ آیگوی، ۲۰۲۱). به‌طور کلی، موقعیت‌هایی که ممکن است از تکنیک‌های جنگ شناختی برای تأثیرگذاری استفاده شود شامل موارد زیر است

راهبردهای جنگ شناختی با اهداف نفوذ
ترویج ایدئولوژی های افراطی
دستکاری باورهای غیر نظامی
کنترل فعالیت های اقتصادی کلیدی
تنظیم اقدامات دولت
تحت تأثیر قرار دادن یا مشروعیت زدایی انتخابات
به کارگیری غیر متخصصان در پست های حساس
سرکوب مخالفان

جدول شماره ۲: راهبردهای جنگ شناختی با اهداف نفوذ (برنال و دیگران، ۲۰۲۰: ۲۰).

در جنگ شناختی اعتقادات، نگرش ها و رفتار نخبگان و عامه جامعه هدف قرار می گیرد. به عبارت دقیق تر، در جنگ شناختی مدیریت ادراک صورت دیگر ابعاد جنگ ادراکی یا شناختی می گیرد که ترکیبی از طرح ریزی، عملیات امنیتی، پوشش و فریب و عملیات روانی است و به تغییر و دستکاری شناخت جامعه نسبت به نظام سیاسی منجر می شود. از بین بردن سرمایه های اجتماعی و معنوی نظام که سال ها با نظام همراه و همدل بوده اند، یکی از ویژگی های این جنگ است؛ برای این منظور دشمن با مستندسازی های پیچیده و حيله های رسانه ای زیرساخت های فکری و مذهبی نظام را زیر سؤال برده و اعتقادات گذشته مخاطبان را با تردید روبه رو می کند. پیروزی در جنگ شناختی سبب می شود دشمن در کوتاه مدت توانایی اثرگذاری بر رفتارهای جامعه را به دست آورد و رفتارهای آنان را در امور سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حتی دیپلماتیک به سمت مورد نظر خود سوق دهد (کلاوری و دیگران، ۲۰۲۱: ۳۲).

حوزه شناختی	حوزه روانی
اقدام علیه شناخت‌ها	اقدام علیه باورها
طغیان حسی و ادراکی	تصورات تحریف شده
اشباع توجه	توهم فرهنگی
تحت تاثیر گذاشتن توجهات	اضطراب‌ها و ترس‌ها
اشتباه در قضاوت	نقاط ضعف یا قوت شخصیت
سوگیری‌های شناختی	سرکوب

جدول شماره ۳: تفاوت بین جنگ شناختی و عملیات روانی (کلوزل، ۲۰۲۲: ۵). در جنگ شناختی، مرحله طرح‌ریزی و اجرا، دارای سطوحی سه گانه مشتمل بر سطح راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی است؛ این سطوح نشانگر دامنه، عمق، هدف، اهمیت و تأثیرگذاری جنگ نرم در جامعه هدف است.

برخی از کارشناسان معتقد هستند که جنگ شناختی را می‌توان از دو منظر بررسی کرد: یکی جهانی و دیگری بر اساس ابزارهای موجود. هدف اولین مورد، کمک به فرهنگی است که به دنبال دستکاری ذهن‌ها به منظور ایجاد انعطاف‌پذیری و امنیت جهانی است. هدف آن اطلاع‌رسانی و آموزش کسانی است که احتمالاً هدف اعمال یا نیات بد قرار می‌گیرند و از ابزارهای شناختی برای مقابله با چنین اقداماتی استفاده می‌کنند. قابل بیان است که بعد شناختی هم بر دانش روانشناسی بازیگران درگیر، هم از روانشناسی جامعه‌شناسی جمعیت‌ها یا گروه‌های خاص و هم بر تأثیر فرهنگ بر تصمیم‌گیری و عقلانیت بازیگران مختلف استوار است. مورد دوم به‌طور خاص به حوزه‌های مختلف شناخت از جمله به-عنوان مثال دوگانگی در تصمیم، خطاها و سوگیری‌های شناختی، ادراکات و توهمات، سایبرنتیک و فقدان یا از دست دادن کنترل، نفوذ و قدرت نرم، روان‌شناسی و سایبر، تعامل بین کاربران و سیستم‌ها، رباتیک و هواپیماهای بدون سرنشین، استقلال و اخلاق مرتبط با فناوری‌های جدید، انگیزه و از دست دادن آن (تسلیم شدن و ناامیدی)، اخلاق و تضاد

ارزش‌ها، روان‌شناسی و دین، امنیت سایبری و سایر جنبه‌های فرهنگی، مربوط می‌شود (کلاوری و دو کلوزل، ۲۰۲۲: ۶-۷).

روش‌شناسی تحقیق

از منظر این‌که نتایج تحقیق کاربردی و تصمیم‌گرا می‌باشد، نوع پژوهش کاربردی است. روش پژوهش این تحقیق با توجه به ماهیت موضوعی‌اش توصیفی-تحلیلی است و اطلاعات آن کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع مکتوب شامل کتب و مقالات و شبکه‌های اینترنتی و مجازی گردآوری شده است. با روش اسنادی نیز سعی شده است تا با رجوع به منابع دست اول فرانسوی و انگلیسی زبان به کنکاش جایگاه جنگ شناختی در حوزه عملیاتی ناتو پرداخته شود. در این تحقیق، منابع دسته اول شامل اسناد منتشر شده از سوی سازمان ناتو و مباحث ارائه شده در همایش ۲۰۲۱ سازمان ناتو در کشور کانادا (چالش‌های نوآوری ناتو) و منابع دسته دو شامل کتب و مقالات که از شبکه‌های اینترنتی و مجازی گردآوری شده است.

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

الف: یافته‌های تحقیق

۱. تاریخچه جنگ شناختی

از زمان سقوط دیوار برلین تا فروپاشی رژیم بعث در عراق، عواملی موجب شد تا درک جنگ در بخشی از نقاط جهان تکمیل گردد؛ در واقع جمعیت آمریکای شمالی، اروپا و آسیا فشار فزاینده‌ای را بر دولت‌های خود اعمال می‌کنند تا درگیری‌های نظامی متعارف را تا حد امکان محدود کنند. این امتناع از جنگ سنتی اغلب به‌عنوان نتیجه آسیب‌های روانی متعدد ناشی از جنگ‌های قرن بیستم توصیف می‌شود؛ از سوی دیگر در آغاز قرن بیست و یکم، برخلاف قرن‌های گذشته، پویایی قدرت دیگر حول جایگزینی بین تسخیر سرزمینی و تسخیر تجاری نمی‌چرخد. خاطر نشان می‌گردد که به دنبال ناپدید شدن امپراتوری‌های استعماری و بلوک‌های ایدئولوژیک، مسائل سرزمینی از اهمیت راهبردی گذشته برخوردار

نیستند؛ از سویی دیگر با تأسیس سازمان تجارت جهانی (WTO)، روابط بین‌الملل در جهان توسعه‌یافته و توازن قوا بین قدرت‌ها تغییر پیدا کرده است (هاربولوت، ۲۰۰۴: ۶۴-۶۳).

در عصر حاضر توسعه‌ی جامعه اطلاعاتی چارچوب تعارضات را عمیقاً تغییر داده است. به گفته‌ی تحلیلگران آمریکایی، مانند جان آرکیلا و دیوید راندفلد^۲ (متخصصان جنگ شبکه‌ای در مؤسسه رند^۳) در درگیری‌های آینده دیگر کسی با بزرگترین بمب‌ها پیروز نمی‌شود؛ بلکه پیروزی متعلق به کسی است که بهترین داستان‌ها را نقل کند. با توجه به این موضوع است که آمریکایی‌ها در سال ۱۹۹۷ مفهوم کلیدی تسلط بر اطلاعات را توسعه دادند؛ این دکتترین که به‌عنوان کنترل همه‌ی اطلاعات تعریف می‌شود، در نظر گرفته شده است تا جهان را از طریق هماهنگ‌سازی رویه‌ها و استانداردهای بین‌المللی بر اساس مدل آمریکایی، با هدف تحت کنترل درآوردن نهادهای تصمیم‌گیر، شکل دهد (گاگیانو، ۲۰۱۶).

کافی است در جریان تهاجم عراق به کویت (۱۹۹۱) مشاهده کنیم که چگونه افکار عمومی آمریکا در پی یک فرایند اطلاعات نادرست در مقیاس ملی یا به‌طور دقیق‌تر، اقدام روانی واقعی بسیج شد. فرایندهای دستکاری اطلاعات امکان به حاشیه راندن برخی واقعیت‌ها را فراهم می‌کند و در نتیجه تسلط بر اطلاعات به اولویت استراتژی آمریکا تبدیل شده است؛ همچنین در سال ۲۰۰۳، جنگ عراق اهمیتی را که دستکاری اطلاعات در روابط بین‌الملل پیدا کرده است، برجسته کرد. اتهامات جورج بوش نسبت به رژیم صدام حسین در مورد وجود سلاح‌های کشتار جمعی به یک پرونده‌ی درسی در تاریخ اطلاعات نادرست تبدیل شده است. با این اوصاف، باید در مورد چگونگی انجام جنگ شناختی چنین نتیجه‌گیری کرد: نشر اطلاعات نادرست با تحریف واقعی اطلاعات به منظور فریب دادن دشمن یا متحد، با تولید دانشی که برای هدایت قوانین رفتار طراحی شده است، انجام می‌شود (هاربولوت، ۲۰۱۶^۴: ۸۴). در همین زمینه برخی از راهبردانانشان به‌خصوص کریستین

^۱Harbulot

^۲John Arquilla et David Rundfeldt

^۳La Rand Corporation

^۴Harbulot

هاربولوت^۱ وقتی متوجه شدند که ایالات متحده با استفاده از جنگ اطلاعاتی در جنگ کویت تا کوزوو در حال نقش آفرینی و قدرت روزافزونی برخوردار می باشد، پیشنهاد جنگ شناختی را برای مقابله با واشنگتن مطرح می کند. بدیهی است که قصد هاربولوت استفاده از جنگ شناختی به منظور حفاظت از منافع شرکت های اقتصادی فرانسه در برابر رقابت آمریکایی بود. دقیقاً در پرتو انتخاب های سیاسی-نظامی آمریکاست که استراتژی فرانسه نیاز به تعریف دقیق جنگ اطلاعاتی را احساس کرد. عبارتی که در زمینه استراتژیک فرانسه به کار می رود، «جنگ شناختی» است که به عنوان توانایی استفاده از دانش برای اهداف متضاد تعریف می شود. به ویژه، مکتب جنگ اقتصادی فرانسه^۲ تشخیص می دهد که در جنگ شناختی نبردی بین ظرفیت های مختلف برای به دست آوردن، تولید و یا ممانعت از دانش معین وجود دارد، با توجه به روابط قدرت که با دو جمله «قوی در برابر ضعیف» و «ضعیف در برابر قوی» مشخص شده است. در حال حاضر، بدیهی است که ایالات متحده نویسنده اصلی تفکر شناختی «قوی در مقابل ضعیف» را به عنوان نمونه ای برای دفاع از موقعیت خود به عنوان یک ابرقدرت، هم از نظر نظامی و هم از نظر اطلاعات، نمایندگی می کند. از نظر تاریخی به ویژه از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، ایالات متحده مشروعیت سیاست خود را با اغراق در دفاع از دموکراسی و نیاز به امنیت جهانی به عنوان دلایلی برای مبارزه با نیروهای ضد دموکراتیک تقویت کرده است (گاگلیانو، ۲۰۱۶؛ هاربولوت، ۲۰۱۶: ۸۲).

بنابراین، امروزه دو نوع جنگ غیرمادی وجود دارد: جنگ اطلاعات که از زمان جنگ جهانی دوم توسط آنگلو ساکسون ها و شوروی مفهوم سازی شده است و جنگ دانش که با مفهوم جنگ شناختی به کار برده می شود (گاگلیانو، ۲۰۱۶). در مفهوم گسترده، جنگ شناختی به دنیای نظامی یا سازمانی محدود نمی شود. از آغاز دهه ۱۹۹۰، بیشتر تنش ها، تضادها و اختلافات در زمینه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی متمایل شد. هنگامی که

^۱Christian Harbulot

^۲Ecole de Guerre Economique (EGE)

جنگ شناختی در جهان غیرنظامی استفاده شد، اغلب نخبگان فرانسوی آن را در زمینه نتایج احتمالی محیط «فوق رقابتی» که از مشخصه آغاز قرن بیست و یکم است، تعریف کردند. بارزترین شکل جنگ شناختی، تغییر رویه از دنیای نظامی به جهان غیرنظامی همراه با فقدان محدودیت زمانی جنگ است؛ علاوه بر این جنگ شناختی به‌طور بالقوه بی‌پایان است؛ زیرا می‌توان آن را به همان اندازه قوی علیه ضعیف و ضعیف علیه قوی بازی کرد و برای این نوع درگیری نمی‌توان قرارداد صلح یا تسلیم متصور شد. در حال حاضر، جنگ شناختی به سه شکل تقسیم شده است: جنگ تحمیلی، جنگ برای حفظ و جنگ پذیرایی. جنگ تحمیلی در رابطه قوی با ضعیف قرار دارد، جنگ برای حفظ در رابطه ضعیف با قوی و جنگ پذیرش به همه بازیگران مربوط می‌شود؛ زیرا نشان دهنده ظرفیت تبدیل اطلاعات به دانش است؛ بنابراین در دنیای چند قطبی که مشکلاتی برای درک بازیگران از هم‌دیگر ایجاد خواهد کرد که در این صورت بازیگری به موفقیت دست خواهد یافت که به بهترین وجه می‌تواند بین سرعت مداخله و دقت درک مسائل داوری کند (هاربولوت، ۲۰۰۴: ۶۴-۶۵). از زمان شروع استفاده فشرده از جنگ شناختی در طول جنگ سرد، آنگلوساکسون‌ها بهترین تمرین‌کنندگان این نوع از جنگ بوده‌اند؛ در واقع جایی که لاتین‌ها با ذوق دانش یاد می‌گرفتند، آنگلوساکسون‌ها عمل کردن را می‌آموختند؛ با این حال، کشورهای نوظهور با رویکرد خاص خود در کنترل و استفاده از دانش، قدرت‌های جدیدی را تشکیل می‌دهند (پورتال-آی، ۲۰۱۹).

۲. تعریف ارائه شده از جنگ شناختی در کنفرانس پاییز ۲۰۲۱ کانادا

با توجه به اهمیت جنگ شناختی برای سازمان ناتو، از سال ۲۰۲۰ میلادی مقرر شده تا کنفرانس‌های سالیانه به میزبانی کانادا با موضوع جنگ شناختی برگزار گردد. در این ارتباط، در پاییز ۲۰۲۱ اولین همایش تحت عنوان «چالش‌های نوآوری ناتو» در زمینه جنگ شناختی در این کشور (کانادا) برگزار شد.

در این کنفرانس، مقامات نظامی کانادا اذعان داشتند که «جنگ شناختی نه تنها به دنبال تغییر افکار مردم است؛ بلکه نحوه عمل آن‌ها مطابق با هدف خود قرار می‌دهد». «حملات

به حوزه شناختی شامل ادغام سایبرنتیک، اطلاعات نادرست، روانشناسی و قابلیت های مهندسی اجتماعی است». دیدگاه مقامات کانادای در این کنفرانس نسبت به جنگ شناختی چنین اعلام شده که «جنگ شناختی ذهن را به عنوان یک فضای نبرد و یک حوزه مورد بحث قرار می دهد. هدف آن ایجاد ناهماهنگی، جرقه زدن روایت های متناقض، قطبی کردن افکار و رادیکال کردن گروه ها است. جنگ شناختی می تواند باعث شود افراد به روش هایی عمل کنند که می تواند یک جامعه منسجم را مختل کند یا از هم جدا کند» (چالش نوآوری ناتو، ۲۰۲۱).

اندی بانوی^۲ فرمانده مرکز آموزش عملیات های ویژه کانادا که در این کنفرانس حضور داشت، در خصوص جنگ شناختی چنین بیان داشت که «جنگ شناختی نوع جدیدی از جنگ ترکیبی برای ما محسوب می گردد»؛ «این بدان معناست که ما باید به آستانه های سنتی درگیری نگاه کرده و اینکه چگونه اقدامات آینده جنگ را با حملات شناختی و اشکال غیر جنبشی و تهدیدهای غیرمبارزه ای ترکیب کنیم». «ما باید این حملات را بهتر درک کنیم و اقدامات و آموزش های خود را بر اساس آن تطبیق دهیم تا بتوانیم در این محیط های مختلف بهتر عمل کنیم» (باروت، ۲۰۲۱).

اگرچه بانوی اقدامات ناتو را «دفاعی» معرفی کرد و مدعی شد که «دشمنان» از جنگ شناختی علیه آنها استفاده می کنند؛ اما در مورد علت این که چرا ارتش های غربی خودشان این تکنیک ها را توسعه می دهند را برای حفظ «مزیت تاکتیکی» دانست: «ما نمی توانیم مزیت تاکتیکی نیروهای خود را که در جبهه قرار می دهیم از دست بدهیم؛ زیرا این مزیت نه تنها از نظر تاکتیکی؛ بلکه از نظر استراتژیک نیز گسترش می یابد». «برخی از این توانایی های متفاوتی که ما داریم و به طور ناگهانی از آنها بهره می بریم، می توانند علیه ما استفاده شوند؛ بنابراین ما باید بهتر درک کنیم که دشمنان ما چقدر سریع خود را با شرایط سازگار می کنند و سپس بتوانیم پیش بینی کنیم که در آینده به کجا می روند تا به ما کمک

^۱Défi d'innovation de l'OTAN

^۲Andy Bonvie

^۳Barotte

کند مزیت تاکتیکی نیروهای خود را در آینده به دست آوریم و حفظ کنیم» (جووردان، ۲۰۲۱).

آنچه که از سخنان اندی بانوی می‌توان دریافت آن است که روزهایی که جنگ برای به-دست آوردن سرزمین‌های بیشتر آغاز می‌شد، گذشته است. اکنون هدف جدید تغییر ایدئولوژی‌های دشمنان یک کشور یا گروهی از کشورها است که ذهن مرکز ثقل این نوع جنگ جدید می‌باشد؛ چراکه در اینجا (جنگ شناختی) انسان حوزه مورد بحث می‌باشد و ذهن به میدان جنگ تبدیل می‌شود؛ بنابراین زمانی که در مورد تهدیدات ترکیبی صحبت می‌شود، جنگ شناختی پیشرفته‌ترین شکلی از دستکاری اطلاعات با هدف دستیابی به یک مزیت تاکتیکی یا راهبردی می‌باشد (چالش نوآوری ناتو، ۲۰۲۱).

در این کنفرانس، فرانسوا دو کلوزل نیز به مباحثی در خصوص جنگ شناختی پرداخت؛ او که در سال ۲۰۲۰ از سوی فرمانده عالی تحول ناتو (SACT) مأمور شد تا یک مطالعه شش ماهه‌ای در مورد جنگ شناختی انجام دهد، در این کنفرانس سخنان خود را با ذکر این نکته آغاز کرد که جنگ شناختی «در حال حاضر یکی از داغ‌ترین موضوعات ناتو می‌باشد» و «در سال‌های اخیر به یک اصطلاح پر تکرار در اصطلاحات نظامی تبدیل شده است». دو کلوزل اشاره کرد که استراتژی جنگ شناختی «در حال حاضر توسط فرماندهی نورفولک در حال توسعه است و جنگ شناختی را «نبرد برای ذهن» توصیف کرد. در ادامه چنین بیان داشت که «جنگ شناختی مفهوم جدیدی است که در حوزه اطلاعاتی شروع می‌شود؛ این یک نوع جنگ ترکیبی محسوب می‌گردد»؛ او معتقد بود که هر نفر از ما یک تلفن همراهی را داریم که این تلفن همراه دارای اطلاعاتی می‌باشد، این اطلاعات سوخت جنگ شناختی محسوب می‌شوند. این عمل فراتر از جنگ اطلاعاتی است؛ چراکه جنگ اطلاعاتی جنگ خودمختار لحاظ می‌گردد (چالش نوآوری ناتو، ۲۰۲۱؛ جووردان، ۲۰۲۱).

در ادامه، دو کلوزل می گوید جنگ شناختی با شرکت های بزرگ فناوری^۱ و نظارت انبوه تلافی می کند؛ زیرا «در مورد بهره برداری از داده های بزرگ است». «ما هر کجا که برویم داده تولید می کنیم. هر دقیقه، هر ثانیه، آنلین می شویم». «استفاده از این داده ها برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد خودتان و استفاده از آن دانش برای تغییر طرز فکرتان بسیار آسان است»؛ او در ادامه چنین بیان می کند که جنگ شناختی «هنر استفاده از فناوری برای تغییر شناخت اهداف انسانی» می باشد. به علاوه، وی در ادامه مطالب خود چنین بیان کرد که در جنگ شناختی مبارزه فقط با آنچه فکر می کنیم نیست؛ بلکه مبارزه با نحوه تفکر ما است، البته اگر بتوانیم طرز تفکر مردم را تغییر دهیم». «این عمل دارای کارایی بیشتری است و بسیار فراتر از [جنگ] اطلاعات و [جنگ] روانی به نظر می رسد» (جووردان، ۲۰۲۱).

دوکلوزه، خاطر نشان می شود که «بسیار مهم است که درک کنیم که این یک بازی در مورد شناخت ما است، البته نه یک بازی که فقط در مورد اطلاعات یا جنبه های روانی ذهن ما را شامل گردد؛ بلکه منظور این است که چگونه ذهن ما اطلاعات را پردازش و آن ها را به دانش تبدیل می کند، می باشد». «این نه تنها اقدامی در برابر آنچه می اندیشیم؛ بلکه اقدامی علیه طرز فکر ما، نحوه پردازش اطلاعات و تبدیل آن به دانش است». «به عبارت دیگر، جنگ شناختی فقط یک کلمه و یک نام دیگر برای جنگ اطلاعاتی انتخاب نشده؛ بلکه یک جنگ علیه پردازشگر فردی ما یعنی ذهن ما است». این محقق ناتو در ادامه سخنان خود چنین اعلام داشت که «این عمل برای ما در ارتش بسیار مهم تلقی می گردد»؛ زیرا «این پتانسیل را دارد که با توسعه سلاح های جدید و راه های جدید برای آسیب رساندن به ذهن، علوم اعصاب و فناوری به روش های مختلف تحت تأثیر قرار دهد تا بر محیط زیست انسانی تأثیر بگذارد. همه شما می دانید که تبدیل فناوری غیرنظامی به فناوری نظامی بسیار آسان است» (چالش نوآوری ناتو، ۲۰۲۱).

^۱ پنج شرکت بزرگ، بیگ تک، اف ای ای ام جی یا Big Tech، همچنین به عنوان غول های فناوری یا در محاوره چهار بزرگ، چهار سوارکار، Big Five یا S&P 5، بزرگ ترین و غالب ترین شرکت ها در صنعت فناوری اطلاعات ایالات متحده، به ویژه آمازون، اپل، آلفابت، فیسبوک و مایکروسافت هستند. از اواخر دهه ۲۰۱۰، علاوه بر سعودی آرامکو؛ این پنج شرکت با ارزش ترین شرکت های سطح جهان بوده اند.

دو کلوزل در مورد اینکه چه کسانی ممکن است اهداف جنگ شناختی باشند، فاش کرد که همه روی میز هستند؛ او گفت: «جنگ شناختی از نظر گستردگی در سطح جهانی فراگیر می‌باشد، از فرد شروع می‌شود تا دولت‌ها و سازمان‌های چند ملیتی. دامنه عمل آن جهانی و هدف آن کنترل انسان‌ها اعم از غیرنظامی و نظامی است؛ او معتقد است که در حال حاضر بخش خصوصی علاقه مالی به پیشبرد تحقیقات جنگ شناختی دارد، سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای که در سراسر جهان در زمینه علوم اعصاب انجام می‌شود، نشان می‌دهد که حوزه شناختی احتمالاً یکی از میدان‌های نبرد آینده خواهد بود (چالش نوآوری ناتو، ۲۰۲۱).

۳. ماهیت جنگ شناختی در اسناد سازمان ناتو

دولت‌های غربی عضو ائتلاف نظامی ناتو در حال توسعه تاکتیک‌های «جنگ شناختی» هستند و از تهدیدات احتمالی چین و روسیه برای توجیه «نبرد ذهن» در «حوزه انسانی» استفاده می‌کنند؛ چرا که از این طریق «هر نیروی غیر نظامی به یک سلاح» تبدیل می‌گردد (دو کلوزل، ۲۰۲۰: ۷-۶).

رهبران ناتو معتقد هستند که این سازمان در حال توسعه اشکال جدیدی از جنگ برای به راه انداختن «نبردی برای ذهن» می‌باشند؛ به عبارتی دیگر هرچند کارتل نظامی ناتو به رهبری ایالات متحده در حال آزمایش شیوه‌های جدید جنگ هیبریدی علیه دشمنان خود است (از جمله جنگ اقتصادی، جنگ سایبری، جنگ اطلاعاتی و جنگ روانی)؛ اما از سویی دیگر، ناتو در حال توسعه یک نوعی جدید از شکل نبرد است که آن را «جنگ شناختی» نامیده‌اند؛ این روش جدید که به‌عنوان «سلاح‌سازی علم ذهن» توصیف می‌شود، شامل «هک کردن افراد» با بهره‌برداری از «آسیب‌پذیری‌های ذهن انسان» به منظور اجرای «مهندسی اجتماعی» پیچیده‌تر می‌باشد (نورتون، ۲۰۲۱).

قابل بیان است که مطالعه‌ای که توسط فرانسوا دو کلوزل^۲، رئیس مرکز نوآوری ناتو، از ژوئن تا نوامبر ۲۰۲۰ انجام شد، از سوی فرماندهی سازمان ناتو تبدیل به کارتل نظامی این

^۱Du Cluzel

^۲Norton

^۳François Du Cluzel

نهاد شده و به عنوان یک گزارش ۴۵ صفحه‌ای در ژانویه ۲۰۲۱ منتشر شد؛ این سند نشان می‌دهد که چگونه جنگ معاصر به نوعی مرحله پادآرمان‌شهر^۱ رسیده است که زمانی فقط در داستان‌های علمی تخیلی قابل تصور بود (نورتون، ۲۰۲۱).

در این گزارش آمده است: «ماهیت جنگ تغییر کرده و بیشتر درگیری‌های امروزی در زیر آستانه تعریف سنتی پذیرفته شده جنگ باقی می‌مانند؛ چرا که اشکال جدیدی از جنگ ظاهر شده‌اند، مانند جنگ شناختی که ذهن انسان به عنوان حوزه جدیدی از جنگ در نظر گرفته می‌شود. برای ناتو، تحقیق در مورد جنگ شناختی نه تنها دفاعی است؛ بلکه بسیار تهاجمی نیز لحاظ می‌گردد (لگری، ۲۰۲۲: ۶۱-۶۰). طبق این سند، هر فردی می‌تواند مورد هدف این عملیات‌های جنگ شناختی باشد: «هر استفاده کننده از فناوری‌های اطلاعاتی مدرن یک هدف بالقوه است، به عبارتی کل سرمایه انسانی یک ملت مورد هدف قرار می‌گیرد». در این پژوهش چنین ذکر شده که «علاوه بر اجرای بالقوه جنگ شناختی به عنوان مکمل درگیری نظامی، می‌توان آن را به تنهایی و بدون درگیری نظامی انجام داد». «علاوه بر این، جنگ شناختی به طور بالقوه بی‌پایان است؛ زیرا هیچ معاهده صلح یا تسلیمی برای این نوع درگیری وجود ندارد؛ همان‌طور که این حالت جدید نبرد هیچ مرز جغرافیایی ندارد، محدودیت زمانی نیز نخواهد داشت: «این میدان نبرد از طریق اینترنت جهانی است. بدون آغاز یا پایان و از طریق گوشی‌های هوشمند در هر مکانی، به صورت ۲۴ ساعت شبانه روز و ۷ روز هفته در حال انجام می‌باشد (نورتون، ۲۰۲۱).

دو کلوزل در این پژوهش (تحت حمایت ناتو) خاطر نشان می‌کند که «برخی از کشورهای ناتو قبلاً تشخیص داده‌اند که تکنیک‌ها و فناوری‌های علوم اعصاب پتانسیل بالایی برای استفاده عملیاتی در فعالیت‌های امنیتی، دفاعی و اطلاعاتی مختلف دارند؛ این مطالعه درباره پیشرفت‌ها در «روش‌ها و فناوری‌های علوم اعصاب» (neuroS/T) صحبت می‌کند

^۱ پادآرمان‌شهر، تباه شهری، مدینه، فاسده مدینه، ضاله، دُش‌شهر (Dystopia)، یا ویران‌شهر، یک جامعه یا سکونت‌گاه خیالی در داستان‌های علمی-تخیلی است که در آن، ویژگی‌های منفی، برتری و چیرگی کامل دارند و زندگی در آن دلخواه هیچ انسانی نیست.

و «استفاده از نتایج و محصولات تحقیقاتی برای تسهیل مستقیم عملکرد رزمندگان، ادغام رابط‌های انسان و ماشین برای بهینه‌سازی قابلیت‌های رزمی»، وسایل نقلیه خودران (مانند هواپیماهای بدون سرنشین) و توسعه سلاح‌های بیولوژیکی و شیمیایی (یعنی سلاح‌های عصبی) را مشخص می‌کند» (دو کلوزل، ۲۰۲۰: ۱۹-۲۱).

همان‌طور که این تحقیق تحت حمایت ناتو به وضوح نشان می‌دهد؛ این سلاح‌سازی «روش‌ها و فناوری‌های علوم اعصاب» (neuroS/T) می‌تواند کشنده باشد. تحقیقات می‌تواند «برای فرونشاندن پرخاشگری و ترویج شناخت‌ها و احساسات وابستگی یا انفعال استفاده شود. القای بیماری، ناتوانی یا رنج؛ و «خستگی کردن» دشمنان بالقوه یا باعث مرگ و میر» گردد (لو گویدار، ۲۰۲۱).

رابرت اچ. اسکیلز^۱ سرلشکر آمریکایی در خصوص این پژوهش منتشر شده از سوی ناتو، چنین تحلیل می‌کند که «فلسفه جنگی جدید ناتو: «پیروزی بیشتر بر اساس تصرف زمین‌های روانی-فرهنگی به جای جغرافیایی تعریف می‌شود» (دو کلوزل، ۲۰۲۰: ۲۸).

بنابراین، در حالی که ناتو در حال توسعه تاکتیک‌های جنگ شناختی برای «تسخیر امور روانی-فرهنگی» است، به‌طور فزاینده‌ای خود را به حوزه‌های علمی مختلف مسلح می‌کند؛ چراکه در سند منتشر شده این سازمان از «دانشگاه علوم داده‌ها و علوم انسانی» صحبت می‌کند و تأکید می‌کند که «ترکیب علوم اجتماعی و مهندسی سیستم‌ها برای کمک به تحلیل‌گران نظامی برای بهبود تولید اطلاعات ضروری است»؛ چرا که اگر قدرت جنبشی نتواند دشمن را شکست دهد، روان‌شناسی و علوم رفتاری و اجتماعی مربوط به آن می‌توانند این خلاء را پر کنند (دو کلوزل، ۲۰۲۰: ۲۹-۲۸).

به‌طور کلی بر اساس اسناد ناتو، بهره‌گیری از علوم اجتماعی برای توسعه طرح‌های عملیاتی حوزه انسانی محوری خواهد بود. از عملیات جنگی با ارائه مسیرهای بالقوه برای کل محیط انسانی اطراف، از جمله نیروهای دشمن و همچنین با تعیین عناصر کلیدی انسانی مانند مرکز ثقل شناختی، رفتار مطلوب به‌عنوان وضعیت نهایی، پشتیبانی خواهد کرد. همه رشته‌های دانشگاهی در جنگ شناختی مشارکت خواهند داشت: «در ارتش، مهارت‌های

^۱Robert H. Scales

انسان‌شناسی، قوم‌نگاری، تاریخ، روان‌شناسی و سایر موارد، بیش از هر زمان دیگری برای همکاری مورد نیاز خواهد بود» (نورتون، ۲۰۲۱).

آنچه که در پژوهش‌های ناتو در زمینه جنگ شناختی مورد اهمیت نشان داده شد، آن است که پیشرفت‌های کنونی در فناوری نانو، بیوتکنولوژی، فناوری اطلاعات و علوم شناختی (NBIC)، که با راهپیمایی به‌ظاهر توقف‌ناپذیر یک تروئیکای پیروزمند از هوش مصنوعی، داده‌های بزرگ و تمدن «اعتیاد دیجیتال» تقویت شده‌اند، چشم‌انداز بسیار نگران‌کننده‌تری را ایجاد کرده است: یک ستون پنجم داخلی که به‌طور ناخواسته باید مطابق نقشه‌ها علیه رقبای ما رفتار کنند». در اینجا، مفهوم مدرن جنگ در مورد سلاح نیست؛ بلکه در مورد نفوذ است. «پیروزی درازمدت صرفاً به توانایی نفوذ، تأثیرگذاری، تغییر یا تأثیر بر حوزه شناختی بستگی دارد». مطالعه تحت حمایت ناتو با پاراگرافی به پایان می‌رسد که روشن می‌کند که هدف نهایی اتحاد نظامی غرب فقط کنترل فیزیکی کره زمین نیست؛ بلکه کنترل ذهنی مردم است (پاپالاردو، ۲۰۲۱).

ب: تجزیه و تحلیل یافته‌ها

سازمان ناتو و توسعه جنگ شناختی

همان‌طور که اشاره شده، در طی چند دهه گذشته، سازمان ناتو جنگ را به پنج حوزه عملیاتی هوا، زمین، دریا، فضا و سایبری مختلف تقسیم می‌کرد؛ اما با توسعه راهبردهای جنگ شناختی، این ائتلاف نظامی درباره حوزه جدیدی بحث می‌کند، حوزه ششم: «حوزه انسانی»؛ در حالی که اقدامات در پنج حوزه به منظور تأثیرگذاری بر حوزه انسانی انجام می‌شود، هدف جنگ شناختی این است که همه را به یک سلاح تبدیل کند. از دیدگاه ناتو، ذهن میدان نبرد قرن بیست و یکم خواهد بود؛ بنابراین انسان‌ها حوزه مورد مناقشه هستند و احتمالاً تعارضات آینده ابتدا از نظر عددی و بعد از لحاظ فیزیکی در بین افراد نزدیک به مراکز قدرت سیاسی و اقتصادی رخ خواهد داد (دو کلوزل، ۲۰۲۰: ۷-۸).

بر اساس اسناد مطالعاتی، بسیاری از تحقیقات سازمان ناتو در زمینه جنگ شناختی برای اهداف دفاعی طراحی شده است؛ اما رهبران این ائتلاف نظامی اذعان می‌کنند که ائتلاف

نظامی در حال توسعه تاکتیک‌های تهاجمی است و چنین معتقد هستند که «انسان اغلب آسیب‌پذیری اصلی است و این باید مورد توجه قرار گیرد به این منظور که سرمایه انسانی ناتو حفاظت شود و همچنین از آسیب‌پذیری‌های ذهنی دشمنان نیز بهره برد». هدف ناتو از «جنگ شناختی آسیب رساندن به جوامع است، نه فقط به ارتش». در همین راستا، با توجه به اینکه کل جمعیت غیرنظامی در تیررس ناتو قرار دارند، ناتو تأکید می‌کند که ارتش‌های غربی باید بیشتر با دانشگاه همکاری کنند تا علوم اجتماعی و علوم انسانی را مسلح ساخته و به این سازمان (ناتو) در زمینه توانایی‌های جنگ شناختی کمک کنند (لو گویدار، ۲۰۲۱).

بنابراین، باتوجه به این‌که کارشناسان غربی این پدیده را به‌عنوان «نظامی‌سازی ذهن» توصیف می‌کنند، به نظر می‌رسد که توسعه جنگ شناختی توسط ناتو منجر به نظامی شدن تمام جنبه‌های جامعه و روانشناسی انسانی از صمیمی‌ترین روابط اجتماعی گرفته تا خود ذهن را شامل گردد. بر اساس گزارش سازمان ناتو (۲۰۲۰)، نظامی‌سازی همه‌جانبه جامعه را با یک لحن پارانوئیدی^۱ منعکس می‌کند که هشدار می‌دهد «طبق یک ستون پنجم یکپارچه^۲، به‌طور ناخواسته باید مطابق نقشه‌ها علیه رقبای ما رفتار کنند»؛ این سند به خوبی نشان می‌دهد که «رقبا» در اینجا همان چین و روسیه هستند. در نتیجه، طبق کارتل نظامی ناتو، این جمعیت ملی کشورهای «رقیب» هستند که یک تهدید محسوب می‌گردند؛ به‌عبارت دیگر غیرنظامیان هسته‌های خوابیده حریفان (چین یا روسیه) تلقی می‌شوند؛ یعنی «ستون پنجم» ترسناکی که ثبات «دموکراسی لیبرال غربی» را به چالش می‌کشند؛ بنابراین توسعه اشکال جدید جنگ ترکیبی (هیبریدی) ناتو در زمانی صورت می‌گیرد که کمپین‌های نظامی کشورهای عضو این سازمان، جمعیت ملی کشورهای رقیب را در سطحی بی‌سابقه هدف قرار می‌دهند (دانشگاه جان هاپکینز و کالج پادشاهی لندن،^۳ ۲۰۲۱). بر اساس

^۱ پارانوئید (Paranoid) شکاکیت و بی‌اعتمادی دیرپا به همه افراد است. مسئولیت این احساسات از نظر آن‌ها نه به عهده خود آن‌ها، که بر دوش دیگران است.

^۲ منظور جمعیت جامعه رقیب است.

پژوهش‌های سازمان ناتو، توسعه جنگ شناختی کاملاً درگیری‌های نظامی را تغییر می‌دهد؛ چراکه سومین بعد مهم رزمی به میدان نبرد مدرن اضافه شد: بعد فیزیکی و اطلاعاتی و هم اکنون یک بعد شناختی اضافه شده است» (جووردان، ۲۰۲۱).

در حال حاضر، مرکز نوآوری برای تعالی در دفاع و امنیت که با نام «قطب نوآوری» نیز شناخته می‌شود، مستقر در کانادا، نقش پیشرو در زمینه جنگ شناختی ایفا می‌کند؛ با این حال هرچند این مرکز در فهرست مراکز رسمی ناتو، مانند مرکز تعالی دفاع سایبری تعاونی ناتو یا مرکز تعالی امنیت انرژی^۳ نیست؛ ولی برخی از کارشناسان معتقد هستند علت این است که احتمالاً فرماندهان سازمان ناتو نمی‌خواهد توجه را به کار خود جلب کند؛ چرا که در این وضعیت آن‌ها در حوزه مطالعات جنگ شناختی «خود مختار» عمل می‌کنند (لو گویادر^۴، ۲۰۲۱). در حال حاضر، با وجود آن‌که شیوه مطالعاتی جنگ شناختی و کاربرد آن در عملیات‌های سازمان ناتو در یک وضعیت پنهان مورد مطالعه کارشناسان این سازمان می‌باشد؛ ولی طبق اسناد بررسی شده، هدف از مطالعه جنگ شناختی در سازمان ناتو عبارت است از

- دسترسی به جامعه بزرگی از کارشناسان، چه در داخل و چه در خارج از ناتو؛
- یک پلت فرم مشترک آنلاین برای تعامل با جامعه؛
- ایجاد یک پایگاه دانش در مورد تمام موضوعات تحت نظر مرکز نوآوری (مرکز نوآوری برای تعالی در دفاع و امنیت)؛
- ارائه اسنادی در مورد راه حل‌های نوآورانه برای رویارویی با چالش‌های آینده ناتو و توانمندی‌های مقابله با این چالش‌ها؛
- ایجاد فرصت‌هایی برای شرح مشکلات، پرسیدن سؤال یا ارائه راه حل حول محور جنگ شناختی.

^۱Innovation for Excellence in Defense and Security (IDEaS)

^۲Innovation Hub

^۳Energy Security Centre of Excellence

^۴Le Guyader

در مراکز مطالعاتی وابسته به سازمان ناتو در هفت حوزه به مطالعه جنگ شناختی پرداخته می‌شود که عبارتند از: تعلیم و تربیت (آموزش و پرورش)، مکانیسم‌های تصمیم‌گیری، فضای مجازی، ابتکارات بشردوستانه، اطلاعات و شایعه‌پراکنی^۱؛ سامانه‌های خودگردان^۲ و طرح‌ریزی راهبرد (ساوین، ۲۰۲۱^۳). با توجه به اسناد منتشر شده سازمان ناتو، این سازمان در حال حاضر با انتخاب جنگ شناختی به‌عنوان حوزه عملیاتی جدید، در پی توسعه این جنگ برای «دفاع» در مقابل «دشمنان» و دستیابی به تکنیک‌های جدید باهدف حفظ «مزیت تاکتیکی» است.

نتیجه‌گیری

جنگ شناختی ممکن است عنصر گم‌شده‌ای تلقی گردد که پیروزی نظامی در میدان نبرد را به موفقیت سیاسی پایدار تبدیل کند. از دیدگاه ناتو، حوزه انسانی حوزه تعیین‌کننده‌ای است که در آن عملیات چند دامنه‌ای مورد نظر فرماندهان باشد؛ چراکه پنج منطقه اول (زمین، دریا، هوا، فضا و سایبری) می‌توانند پیروزی‌های تاکتیکی و عملیاتی را به همراه داشته؛ ولی قلمرو انسانی می‌تواند به پیروزی نهایی و کامل منجر گردد. در همین ارتباط، سازمان ناتو، به بهانه برخوردار بودن از نظام‌های دموکراتیک در کشورهای عضو این سازمان، درصدد است تا تئوری‌های جنگ شناختی خود را تقویت کند. از دیدگاه ناتو، تأثیرگذاری بر حوزه شناختی در سایر کشورها مستلزم درک فرهنگ آن‌ها، شناسایی اهداف و ایجاد روایت‌های استراتژیک متناسب با ویژگی‌های فرهنگی مردم کشور مورد هدف است. در جنگ شناختی اطلاعات مهمات است و گلوله مناسب باید در زمان و مکان مناسب شلیک شود. ناتو معتقد است که در جنگ شناختی دفاع مناسب حداقل مستلزم افزایش سطح آگاهی عمومی و متقاعدسازی عمومی در سطوح وسیع و توسعه این جنگ می‌باشد (دفاعی) و از سویی دیگر، مزیت در جنگ شناختی به کسی می‌رسد که اول

^۱ دروغ‌رسانی یا شایعه‌پراکنی (disinformation)، انتشار عامدانه و برنامه‌ریزی شده اطلاعات نادرست یا گمراه‌کننده برای فریب مخاطبان است.

^۲ سامانه خودگردان (Autonomous system)، مجموعه‌ای از زیرشبکه‌های تحت پروتکل اینترنت هستند که از جانب یک دامنه یا موجودیت اداره‌کننده مرکزی در کنترل یک یا تعداد بیشتری از اپراتورهای شبکه قرار دارد.

^۳ Savin

حرکت کند و زمان، مکان و وسیله حمله را انتخاب کند (تهاجمی). به طور کلی، هدف جنگ شناختی ناتو محافظت از «سرمایه انسانی ناتو» با مقابله با جنگ‌های مشابه توسط کشورهای متخاصم اعلام شده است. بر اساس اسناد مطالعه شده، این درک وجود دارد که ناتو از تکنیک‌های جنگ شناختی بر روی جمعیت خود برای پیروزی در جنگ‌ها استفاده می‌کند؛ ولی باتوجه به راهبردی که برای توسعه این جنگ در پیش گرفته است می‌توان چنین برداشت کرد که هدف ناتو در آینده تأثیرگذاری بر روی ذهن مردم کشورهای غیر همسو برای ایجاد شکاف بین دولت و ملت می‌باشد.

منابع

الف) فارسی

- محجوب، حسن؛ شکوری، سعید (۱۴۰۱)، «جنگ‌شناختی مدرن: از شناخت در رزم تا عرصه جنگ‌شناختی»، ۱۲(۲)، فصلنامه علمی مطالعات منابع انسانی.
- محمدی‌نجم، حسین (۱۳۹۴)، جنگ‌شناختی: بعد پنجم جنگ، تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.

ب) انگلیسی

- Aigouy, Frédéric (2021). Guerre cognitive: l'être humain et son cerveau, nouveaux champs de bataille de l'OTAN, **Strategika**, retrouver sur : <https://lesakerfrancophone.fr/guerre-cognitive-letre-humain-et-son-cerveau-nouveaux-champs-de-bataille-de-lotan>
- Backes, Oliver & Swab Andrew (2019). Cognitive Warfare The Russian Threat to Election Integrity in the Baltic States, **Belfer Center for Science and International Affairs Harvard Kennedy School**.
- Barotte Nicolas (2021). La «guerre cognitive», nouvel avatar des batailles futures, **le figaro**, trouver sur: <https://www.lefigaro.fr/international/la-guerre-cognitive-nouvel-avatar-des-batailles-futures-20211126>
- Bernal, Alonso et al. (2020). Cognitive Warfare: An Attack on Truth and Thought. **Innovation Hub**, available in: <https://www.innovationhub-act.org/sites/default/files/2021-03/Cognitive%20Warfare.pdf>
- Claverie, Bernard & al. (2021). Cognitive Warfare : La guerre cognitive, **Première réunion scientifique Cognitive Warfare**, France: Bordeaux.
- Claverie, Bernard & Du Cluzel, François (2022), The Cognitive Warfare Concept, **Innovation Hub**, available in: https://www.innovationhub-act.org/sites/default/files/202202/CW%20article%20Claverie%20du%20Cluzel%20final_0.pdf
- Défi d'innovation de l'OTAN (2021), La menace invisible : Outils pour lutter contre la guerre cognitive, **canada gouvernement**, trouver sur: <https://www.canada.ca/fr/ministere-defense-nationale/campagnes/defi-d-innovation-de-l-otan-automne-2021.html>
- Du Cluzel, François (2020). Cognitive Warfare, **Allied Command Transformation (ACT)**, available in: <https://iatranshumanisme.com/wp-content/uploads/2021/10/Cognitive-Warfare-CW.pdf>
- Gagliano, Giuseppe (2016). Guerre Économique Et Guerre Cognitive, **Le Centre Français De Recherche Sur Le Renseignement (Cf2r)**, trouver sur: <https://cf2r.org/le-cf2r/presentation-cf2r/>
- Harbulot, Christian (2004). De la légitimité de la guerre cognitive, **Revue internationale et stratégique**, 4 (N°56), pages 63 à 67.

- Harbulot, Christian (2016). Le monde du renseignement face à la guerre de l'information, **La Revue Hermès**, /3 (n° 76), pages 80 à 85
- Innovation Hub (2021). Cognition Workshop Innovative Solutions to Improve Cognition, **Innovation Hub**, available in: <https://www.innovationhub-act.org/sites/default/files/2021-07/210601%20Cognition%20Workshop%20Report-%20v3.pdf>
- Johns Hopkins University& Imperial College London (2021). Countering cognitive warfare: awareness and resilience, **NATO Review**, available in: <https://www.nato.int/docu/review/articles/2021/05/20/countering-cognitive-warfare-awareness-and-resilience/index.html>
- Le Guyader, Hervé (2021). Le domaine cognitif de la manipulation est devenu un terrain de conflit. **Le Monde**, trouver sur: https://www.lemonde.fr/idees/article/2021/05/06/le-domaine-cognitif-de-la-manipulation-est-devenu-un-terrain-de-conflit_6079291_3232.html
- le site d'Usabilis (2017). Définition Sciences Cognitives, **Usabilis Conseil UX et ergonomie digitale**, trouver sur: <https://www.usabilis.com/definition-sciences-cognitives/>
- Legry, Olivier Pinard (2022). Neurosciences et sciences cognitives : comment se préparer à la guerre des cerveaux?, **Revue Défense Nationale**, HS3 (N° Hors-série), pages 58 à 76.
- Maxime, Olejniezak (2014). IE, la guerre de l'information et la guerre cognitive, **MASTER 1 Stratégie Et Ingénierie Économique Intelligence Economique Et Stratégie Compétitive**, Université De Angers, Faculté De Droit, D'économie Et De Gestion.
- Norton, Ben (2021). Behind NATO's 'cognitive warfare': 'Battle for your brain' waged by Western militaries, **The Grayzone**, trouver sur: <https://thegrayzone.com/2021/10/08/nato-cognitive-warfare-brain/>
- Pappalardo, David (2021). La guerre cognitive : agir sur le cerveau de l'adversaire, **le site de le rubicon**, retrouver sur : <https://lerubicon.org/publication/la-guerre-cognitive/>
- portail-ie (2019), Guerre cognitive, **le site de portail-ie**, trouver sur: <https://portail-ie.fr/resource/glossary/93/guerre-cognitive>
- Savin, Leonid (2021). Otan Développe Des Techniques De Guerre Cognitive, le site de assemblée nationale, trouver sur: https://www.assemblee-nationale.fr/dyn/15/rapports/cion_def/115b5054_rapport-information